

شریعت خاموش آشنایی با کتاب وندیداد (بخش فقهی اوستا)

روح الله شفیعیان
عضو حلقه علمی کلام

چکیده: وندیداد نام بخش سوم کتاب اوستا است که در آن مطالبی درباره آفرینش، اهورامزدا و اهریمن، چند اسطوره و مباحث فقهی و حقوقی گنجانده شده است. زرتشتیان ایران آن را اثری صرفاً تاریخی می‌دانند در حالی که از نگاه زرتشتیان هند متنی مقدس به‌شمار می‌رود. وجود احکام خرد سستیز و دشوار در این کتاب، نشان دهنده میزان انحراف آئین مغان و وضعیت نابسامان فرهنگی و دینی آن زمان ایران است. در این نوشتار با توضیح این حقیقت، به ارتباط پذیرش اسلام از سوی ایرانیان و فرهنگی بودن این اقدام اشاره شده است.

واژگان کلیدی: زرتشت، آئین مغان، وندیداد، فراگرد، فتح ایران.

مقدمه

فعالیت‌های تبلیغی زرتشتیان را به‌ویژه در سال‌های اخیر می‌توان در سه حوزه خلاصه کرد:

۱. کلی‌گویی‌های فریبنده مانند گفتار نیک، کردار نیک، پندار نیک.
۲. تأکید بر تمدن افسانه‌ای ایرانیان پیش از اسلام.
۳. نفی اسلام به عنوان آئینی که به‌دست تازیان بادیه نشین شمشیر داد تا بنیان

تمدن کهن ایران را بر باد دهند!
محور دوم هنگامی که با مسئله فتح ایران همراه می‌شود به مهم‌ترین ابزار تبلیغی زرتشتیان تبدیل می‌گردد.

مغالطه‌ای که خواسته یا ناخواسته از سوی مبلغان آیین مزدیسنا^۱ سر می‌زند در تفسیر واژه پیش از اسلام نهفته است. آنان برای اثبات ادعای خود به حکومت داریوش و کوروش و با بنای عظیم تخت جمشید و پاسارگاد استناد می‌کنند، غافل از اینکه دوران طلایی امپراتوری ایران با ظهور اسلام فاصله‌ای هزار ساله دارد!!
اما ایران به ویژه از منظر فرهنگی چه شرایطی در پایان دوران ساسانی داشته است؟ ستاد رسول جعفریان مهمترین عوامل فتح ایران در سال هجدهم هجری را این گونه بیان می‌کند: ۱. ضعف حکومت ساسانی بر اثر جنگ‌های سی ساله ایران و روم ۲. اختلافات داخلی حکومت ساسانی^۲ ۳. اخذ مالیات‌های سنگین از مردم ایران^۳ ۴. انحراف شدید آئین مجوسی و روی آوردن مغان به قشری‌گرایی و مراسمات پیچیده مذهبی^۴.

نوشتار حاضر بر آن است تا با معرفی **وندیداد** که سومین بخش از بخش‌های پنج‌گانه اوستا است، ادعای چهارم را توضیح دهند و نشان دهد تا چه اندازه نظام دینی حاکم بر عصر ساسانی از روح الهی^۵ خود فاصله گرفته بوده است.

اما پیش از آن تذکر چند نکته ضروری می‌نماید:

۱. وندیداد چه ارزش دینی داشته باشد، چنان‌که پارسیان هند معتقدند و یا ارزش صرفاً تاریخی داشته باشد آن گونه که به‌دینان ایرانی برآند، نشان دهنده وضعیت فرهنگی دوران ساسانی است.

۱. کلمه یسنا صفت است یعنی پرستش‌گر و مزدیسنا یعنی پرستش‌گر مزدا که در مقابل دیویسنا که پرستش‌گر پروردگار باطل است قرار دارد. باید توجه داشت که به‌کار بردن زرتشت و هر عنوان دیگری غیر از مزدیسنا برای این آئین مجازگویی است مانند این که به اسلام آیین محمدی گفته می‌شود. زرتشتیان ایران پیرو شاخه‌ای از این آیین به نام به‌دینی یا دین بهی هستند.

۲. بین سال‌های ۶۲۸م (شکست ایران از روم) و ۶۳۲م (تاجگذاری یزگرد سوم) در ایران دوازده پادشاه به قدرت رسیده‌اند که هر کدام در مدت کوتاهی با توطئه‌های داخلی از بین می‌رفتند. (ر.ک: تاریخ ایران، کمبریج، ج ۳، ص ۲۶۷)

۳. این مالیات‌ها دو برابر خراجی بود که ایرانیان به مسلمانان می‌پرداختند.

۴. سیره خلفا، صص ۱۱۷-۱۳۲.

۵. برخلاف عموم اهل سنت بیشتر فقهای شیعه این آیین را دینی الهی می‌دانند اما در اینکه پیامبرشان زرتشت بوده یا فرد دیگری مانند جاماسب (به روایت صدوق) اختلاف دارند.

۲. در این نوشتار فقط به توصیف کتاب وندیداد به ویژه بخش‌های همیشه سانسور شده آن پرداخته شده است.
۳. مبنای نوشتار حاضر معتبرترین ترجمه وندیداد نزد زرتشتیان یعنی گزارش ابراهیم پور داوود^۱ است.
۴. در دیگر مباحث، به کتاب‌ها و منابع مورد اعتماد زرتشتیان به ویژه به‌دینان امروز ایران استناد شده است.

وندیداد یا شریعت زرتشت

وندیداد^۲ یکی از مهم‌ترین بخش‌های پنج‌گانه اوستا است. در این کتاب مطالبی درباره آداب و رسوم مذهبی، احکام و مجازات‌های دنیوی و اخروی، قوانین جزایی، محو حشرات موزی و انجام کارهای نیک، آمده است. در واقع وندیداد یک کتاب فقهی است که شامل بیست و دو فرگرد^۳ می‌باشد. در هر فرگرد به موضوعی خاص پرداخته شده است.

وندیداد، شکل تغییر یافته **وی دئودات** است. این نام اوستایی از سه جزء تشکیل شده است؛ جزء نخست آن **وی** پیشوندی است که بر سر بسیاری از نام‌ها یا ریشه فعل‌های اوستایی آمده و به معنای دوری و جدایی است که به صورت **گئ** در بسیاری از واژه‌ها، مانند گریختن و گسستن باقی مانده است. جزء دوم آن **دئو** است که به صورت **دیو** به تنهایی با در ترکیب‌هایی چند، هنوز وجود دارد. جزء سوم آن **دات** به معنای سامان، نظم و قانون است، واژه **داد** در فارسی از همین ریشه است. وی دئودات در کنار هم به معنای **داد دور دارنده دیو یا داد دیوستیز** است.

بنابر نوشته‌های دینی زرتشتیان، این بخش از اوستای نو^۴، نوزدهمین «نسک» (دفتر) از نسک‌های بیست و یک‌گانه اوستای روزگار ساسانیان بوده که به همراه شش

۱. ابراهیم پورداوود (۱۲۶۴-۱۳۴۷) استاد تاریخ و ادبیات ایران پیش از اسلام، شاعر و پژوهشگر آیین زرتشتی و اوستا. او نخستین کسی است که پس از هزار و سیصد سال اوستا را به زبان کنونی ایران برگرداند. وی در بازگردانی و تفسیر اوستا بیشتر پیرو بارتولمه بود.

۲. ۱۳۴۰ ع ۲ ع ۱/۴

۳. فرگرد به معنای فرابریده است که اشاره به جداسازی قسمتی از قسمت‌های دیگر دارد.

۴. بر اساس تصریح زرتشتیان و مورخان در سال ۳۳۰ قبل از میلاد متن اصلی کتاب زرتشت در حمله اسکندر از بین رفت تا اینکه در سال ۲۲۶ پس از میلاد اردشیر بابکان امر به تدوین آن نمود و آن را اوستای نو نامید به این معنی زردشتیان بیش از ۵۵۰ سال کتابی نداشتند. برای آشنایی تفصیلی با کتاب مقدس زرتشتیان، رک: داود الهامی، اوستا در قبرستان خاموش تاریخ، مجله کلام اسلامی، شماره ۳۳.

پس از این تحقیقات، زرتشتیان ایران بر آن شدند که گاتاها می‌بایست سروده‌های خود زرتشت باشد!^۱ و باقی اوستا به دست موبدان زرتشتی دوران ساسانی نگاشته شده است.^۲

بررسی متون کهن زرتشتی و کشف‌های تاریخی همچون کتیبه‌ها و سنگ نوشته‌های بین‌النهرین از رازهای بسیاری درباره آئین بهی پرده برداشت و سبب شد تا در طول دویست و پنجاه سال اخیر به تدریج زرتشتیان ایران تمام متون دینی خود را بجز همان هفده هات که به **گاتاها** یا **گاتاها** مشهور شدند معتبر ندانند. این جریان که به آن **جنبش گاهانی** گویند هرچند باعث حیات مجدد آئین کهنه و مندرس مزدیسنا گردید ولی سبب شد تا پارسیان هند که سه چهارم زرتشتیان را تشکیل می‌دهند، به‌دینان را مرتد بخوانند و ازدواج با آنان را تحریم کنند.^۳

در جنبش گاهانی وندیداد نیز همچون دیگر کتاب‌ها به حساب آمد و از آن پس هرگاه در نقد آئین بهی به آن استناد می‌شد آن را کتابی صرفاً تاریخی می‌دانستند. البته حتی اگر این کتاب تنها ارزش تاریخی داشته باشد، گزارشی آشکار از انحطاط اوضاع دینی جامعه در دوره ساسانی خواهد بود که بر اساس آن می‌توان دلیل پذیرش اسلام از سوی ایرانیان متمدن را تبیین کرد.^۴

در عین حال در کمال شگفتی هنوز به‌دینان در نمازهای خود، سروده‌های خُرده اوستا را می‌خوانند و به بسیاری از احکام خردستیز وندیداد عمل می‌کنند؟^۵ زرتشتیان امروز دلیلی برای اثبات اینکه گاتاها را خود زرتشت سروده است، ندارند. عدم تحریف آنها را نیز نمی‌توانند ثابت کنند. آنها به این پرسش که چگونه می‌توان با هفده سروده آن هم با عباراتی چند پهلو و مبهم دین ساخت، پاسخی موجه نداده‌اند.

فرگردهای غیر فقهی وندیداد

دو فرگرد آغازین و چهار فرگرد واپسین وندیداد، سبک نگارش و محتوایی متفاوت

۱. زرتشتیان به پرسش‌های مکرر نگارنده دلیلی غیر از این ارائه نکردند.

۲. آنان که پیرو آیین زروان بوده‌اند و به دو مبدأ خیر و شر اعتقاد داشته‌اند.

۳. ر.ک: رشید شهردان، اوضاع فرهنگی پارسیان در پنج قرن گذشته، هخت دوره ۱۱ شماره دوم ۲۵ - ۲۶.

۴. بنا به نقل اخبار الطوال (ص ۱۲۶) و فتوح البلدان (ص ۲۶۲) زمانی که ایرانیان برای اولین بار اعراب را دیدند فریاد کنان گفته بودند که دیوان آمدند.

۵. برای نمونه می‌توان به احکام مربوط به دفن میت و مراسمات مذهبی یا ناخن گرفتن و یا احکام مربوط به آتش و ... اشاره کرد.

با دیگر فرگردها دارند، گویی بازمانده‌هایی از اساطیر کهن آریایی هستند که نمی‌دانیم به چه علت با فرگردهای سوم در یک مجموعه آمده‌اند.^۱ در فرگرد نخست، از شانزده سرزمین سخن رفته که اهورامزدا آنها را آفریده است^۲ و انگره‌مینو^۳ با پتیاره آفرینی‌های خود، بر آنها آسیب‌هایی وارد آورده است. می‌توان این فرگرد را کهن‌ترین نوشته ایرانی دانست که گزارشی جغرافیایی از جهان کهن - هر چند در قالب اسطوره - به دست می‌دهد.

فرگرد دوم (داستان جم)^۴ منظومه‌ای است از یکی از دیرینه‌ترین اسطوره‌های آریایی که در اساطیر باستانی هند و ایران و در سرودهای وداها و حماسه مه‌ابهارتا ریشه دارد و در اسطوره‌ها و افسانه‌های اقوام سامی و اقوام کهن ساکن سرزمین‌های بین‌النهرین نیز تأثیر گذاشته است.

فرگرد نوزدهم، گزارش اسطوره‌ای کهن است که در آن زرتشت و اهریمن در مقابل یکدیگر قرار می‌گیرند.^۵ هر چند به نظر نمی‌رسد که این فرگرد در روزگار زرتشت با دوره‌های نزدیک به او به نگارش درآمده باشد، اما نشانه‌های آشکاری از ادبیات گاهانی

۱. دکتر احمد تفضلی احتمال داده است که دو فرگرد نخستین به سبب ارتباط با زمین - که در دین زرتشتی مقدس است - بر مطالب اصلی وندیداد افزوده شده باشد. (نگاه کنید به پیشگفتار چاپ دوم «وندیداد» گزارش محمدعلی داعی الاسلام)

۲. بهترین مکان‌ها، ایران و یج (مسکن آریا) است که ده ماه گرما و دو ماه سرما در آن حکم‌فرما است. ۳. جلگه «سغد». ۴. «مرو» نیرومند و پاک ۴. «بلخ» زیبای افراشته کرفش ۵. «سایه» در میان بلخ و مرو ۶. «هرات» و دریاچش ۷. «وژه کَرته» بی‌سایه ۸. «اورو»ی دارای چراگاه‌های سرشار ۹. «خینت» در گرگان ۱۰. «هرفویتی» زیبا ۱۱. هیرمند ۱۲. ری که در آن سه نژاد است. ۱۳. مخرم ۱۴. «تورن»ی چهارگوشه که فریدون - فروکوبنده اژی دهاک - در آن زاده شد. ۱۵. هفت رود ۱۶. سرزمین گرداگرد سرچشمه رود «نگها»، جایی که مردمان بی‌سر زندگی می‌کنند.

۳. خدای شر که در اوستا در مقابل اهورامزدا به کار رفته است. کسانی چون جلیل دوست خواه این نام را به اهریمن همه تن مرگ ترجمه کرده‌اند تا به خیال خود اوستا را از ننگ دوگانه پرستی برهانند.

۴. اهورامزدا در پاسخ زرتشت فرمود: قبل از تو با جمشید، زیبا و مقدس سؤال و جواب نمودم و به علت کفری که گفت، از ریاست مردم برکنار گردید. ولی بعد از آنکه هزار سال با پاکی پادشاهی کرد، مردم فاسد شدند. به جمشید خبر دادم که برف و سرمای زیادی خواهد آمد و تمام خانه‌ها، درها و قلعه‌ها را آن سرما فرا خواهد گرفت. در آن موقع، تو غاری به شکل مربع بساز که هر ضلعش به درازای یک میدان اسب باشد و از حیوانات و سبزی‌ها و خوراکی‌ها و زنان و مردان خوب، در آن غار جای بده.

۵. در این فرگرد، اهریمن می‌کوشد تا زرتشت را بکشد و هنگامی که در این کار شکست می‌خورد، به فریبکاری روی می‌آورد. زرتشت در برابر این تبهکاری اهریمن ایستادگی می‌کند و از اهورا مزدا خواستار آشکار کردن باره‌ای از روش‌های آیینی می‌شود. چگونه می‌توان دیوان را از خود راند؟ چگونه آفرینش مزدا را باید ستود؟ چگونه ناپاکی را باید شست و از میان برد؟ پس از مرگ، بسر روان آدمی چه می‌گذرد؟ اهریمن و گروه دیوان کارگزار وی نومید می‌شوند و ناتوان از تبهکاری خویش به دوزخ می‌گریزند. این فرگرد را می‌توان «مکاشفه» نامید.

و سروده‌های اساطیری - حماسی پشت‌ها و حتی اساطیر هند و ایران در آن به چشم می‌خورد.

دارمستتر مضمون این فرگرد را با رویارویی ادیپوس و ابوالهول مقایسه کرده است.^۱

در فرگرد بیستم، چهره اساطیری ثریت^۲ نخستین پزشک جهان و چگونگی برخورد ایرانیان با دانش پزشکی و درمان بیماری‌های گوناگون بیان شده است. در فرگرد بیست و یکم، از گاو پاک^۳ که نمونه نوعی ستوران به شمار می‌آید، سخن گفته شده است. این بیان‌ها در واقع دورنمایی اساطیری از کوشش‌های ایرانیان را برای دست‌یابی به محیط زیستی پاک و به دور از گزندها و ناخوشی‌ها ترسیم می‌کند.

فرگرد بیست و دوم - هرچند ناتمام می‌نماید - به گونه‌ای ادامه دو فرگرد پیش از آن است که در آن از نوعی دیگر از درمان و تلاش برای دور راندن بیماری و مرگ که به منشره درمانی مشهور شده، سخن گفته شده است.^۴

فرگردهای فقهی وندیداد

فرگردهای سوم تا هجدهم وندیداد سخنان اهورامزدا (خدای دانای مطلق) به سپنتمان زرتشت است که به صورت خطابی بیان شده است و در آن عباراتی مانند «ای سپنتمان زرتشت...» یا «من که اهورامزدا هستم» بسیار دیده می‌شود.

در تمامی این بخش‌ها اعتقاد به دوگانه‌پرستی مشاهده می‌شود و همه جا در مقابل اهورامزدا شاهد صف‌آرایی انگره‌مینو هستیم.

در این فرگردها از گاو و سگ با احترام فراوان یاد شده است^۵ و گمیز (ادرار گاو نر) به

۱. نگاه کنید به زیرنویس فرگرد ۱۹. از جیمز دارمستتر ترجمه جلیل دوست‌خواه.

۲. ثریت نخستین کسی است که بیماری و مرگ را از جهان دور می‌کند. اهورامزدا ده هزار گیاه دارویی را که بر گرداگرد درخت جاودانگی - گوکرن یا هوم سفید - روییده است، از بهشت می‌آورد و در دسترس او می‌نهد. نام ثریت را جز در این فرگرد، تنها یک بار در اوستا (یسنا ۹، بند ۷) می‌بینیم که در شمار نخستین نیایشگران «هوم» پدیدار می‌شود. آنچه درباره چیره‌دستی ثریت در کار پزشکی و درمان بخشی آمده است، با هوم پیوند دارد. از آنجا که هوم مایه زندگی و تندرستی است، نخستین نیایشگران وی نیز باید نخستین پزشکان باشند.

۳. گاو نخستین که اهورامزدا او را بیافرید و اهریمن با باری «جهی» او را کشت. هنگامی که گاو نخستین مرد، هرچه در تخمه او روشن و نیرومند بود به فلک ماه برده شد و پس از پاک شدن در پرتو نور ستارگان، دو آفریده از آنها شکل گرفتند که یکی نرینه بود و دیگری مادینه و از آنان دویست و هفتاد گونه از جانوران پدید آمدند.

۴. موضوع این فرگرد «ایریمن، منشره ورجاوند و درمان بیماری‌ها» است. اهریمن ۹۹۹۹۹ بیماری می‌آفریند و اهورامزدا برای درمان آنها از ایریمن و منشره ورجاوند باری می‌خواهد.

۵. معادل قانون اهیمنسا در آئین‌های هندی.

عنوان بهترین پاک کننده معرفی گردیده و بر پاکی زمین و آتش (پسر اهورامزدا) بسیار تأکید شده است. بر این اساس دفن انسان گناهی نابخشودنی است، کشاورزی و دامپروری جایگاه والایی دارد و آلودگی زن دشتان (حائض) با هیچ چیز برابری نمی‌کند. اما آنچه از همه عجیب‌تر می‌نماید مجازات‌های سنگینی است که برای گناهکاران در نظر گرفته شده است، مانند ده هزار ضربه با سیخ کباب یا شلاق اسب دوانی یا کشتن ده هزار پشه. در سراسر این فرگردها قدرت مطلق موبدان و مردان پاک و نیاز به آنها در امور مذهبی مورد تأکید قرار گرفته است. بیشترین مباحث حقوقی و فقهی وندیداد در کتاب‌های پهلوی مانند دینکرد، بندهشن، گزیده‌های زاد سپرم، ارداویراف نامه، شایست - نشایست و کتاب‌های روایان آمده است.

محتوای فرگردها

فرگرد سوم

بهترین سرزمین‌ها جایی است که مرد مقدس، هیزم مقدس در دست دارد و آتش، آب، گاو، گوسفند، زن و فرزند، علف بسیار، سگ فراوان، رمه‌ها، چراگاه‌ها و اسباب زندگی زیاد و زمین پر آب داشته باشد. بدترین مکان‌ها قبر انسان یا سگ مرده است. خوشا به حال فردی که زمین را برای کشت و کار، زیر و رو کند و سوراخ حشرات را که آفریده اهریمن هستند، نابود نماید و علف و غله و درخت بکارد.

نمونه: بند ۳۷ و ۳۸ و ۳۹:

ای دادار جهان استومند! ای اشون! کسی که مردار مردمان با سگان را به خاک سپارد و تا یک سال از خاک برنیاورد، پادافره^۱ گناهش چیست؟ اهورا مزدا در پاسخ گفت: هزار تازیانه با اسپهه - اشترا^۲ هزار تازیانه با سروشو - چرن^۳.
ای دادار جهان استومند! ای اشون! کسی که مردار مردمان یا سگان را به خاک سپارد و تا دو سال از خاک برنیاورد، پادافره^۱ گناهش چیست و تاوان گناهکاری او کدام است و چگونه می‌تواند خود را از آلودگی بدان گناه پاک کند؟

۱. کیفر.

۲. شلاق ویژه اسب دوانی.

۳. سیخ ویژه اسب دوانی.

اهورا مزدا پاسخ داد: چنین گناهی را هیچ پادافره و تاوانی نیست و برای آن هیچ چاره‌ای نتوان اندیشید. این دادشکنی است و هیچ پادافره و تاوانی، گناه آن را پاک نتواند کرد.

فرگرد چهارم

در بیان ارزش امانت داری و انواع پیمان‌ها^۱ و قراردادهای، و در فضیلت آموزش و پرورش و زن گرفتن و فرزند داشتن و داشتن غلام و گوسفند و اسب.

نمونه: بند ۸ و ۱۴:

ای دادار جهان استومند! ای اشون! کسی که گاو - پیمان را بشکند، تا چه اندازه گرفتار گناه خویش شود؟

اهورا مزدا پاسخ داد: این گناه، نزدیک‌ترین خویشاوندان را بدهکار ناوانی هشتصد برابر بهای آن پیمان می‌کند.

ای دادار جهان استومند! ای اشون! کسی که گاو - پیمان را بشکند، پادافره گناهش چیست؟

اهورا مزدا پاسخ داد: هشتصد تازیانه با اسپهه - اشترا، هشتصد تازیانه با سرو شو - چَرَن.

فرگرد پنجم

آتش، فرزند اهورامزدا است. مرد گناهکار نزد موبد توبه کند و او ثلث گناه او را بریزد. اگر کسی در میان جمع ایستاده باشد و بمیرد، بقیه افراد نجس می‌باشند و اگر کسی در میان گله‌ای از گوسفندان بمیرد، تا هشت گوسفند نجس است و اگر سایر سگان باشند، افراد کمتری را نجس می‌کنند. زنی که بچه‌اش مرده به دنیا بیاید، باید محل او را سی قدم از آب و آتش و از مردان مقدس و مذهبی، سه گام دور نمود و لباس و خوراک جداگانه برای او فراهم شود و مقداری ادرار گاو نر، چند قطره آب و کمی خاکستر در رحم او بریزند و آنگاه با ادرار گاو، او را بشویند تا پاک شود.

نمونه: بند ۴۵ و ۴۶ و ۵۰ و ۵۱

ای دادار جهان استومند! ای اشون! هرگاه در خانهٔ مزداپرستان زن آبستنی پس

۱. شمار پیمان‌ها در آیین زرتشت شش است: نخست «گفتار - پیمان»، دوم «دست - پیمان»، سوم «گوسفند - پیمان»، چهارم «گاو - پیمان»، پنجم «مردم - پیمان»، ششم «کشتزار - پیمان».

از بارداری یک یا دو یا سه یا چهار یا پنج یا شش یا هفت یا هشت یا نه یا ده ماهه، کودکی مرده بزاید، مزدپرستان آن زن را به کجا باید ببرند؟
 اهورا مزدا پاسخ داد: به جایی در آن خانه زرتشتی که زمین آن بی آب و بی گیاهترین جا باشد، گله‌های گاوان و گوسفندان کمتر از آن بگذرند، آتش - پسر اهورا مزدا - کمتر در آن برافروخته شود، دسته‌های برسم ویژه آیین کمتر بدان برده شود و مردم اشون کمتر از آن بگذرند.
 ای دادار جهان استومند! ای اشون! نخستین خوراکی که به چنین زنی باید داده شود، چیست؟

اهورا مزدا پاسخ داد: باید سه یا شش یا نه جام «گُمیز» آمیخته با خاکستر بیاشامد تا گور درون زهدان وی شسته شود پس آن گاه می‌تواند شیر گرم مادیان با گاو یا میش یا بز یا گوشت پخته و نان و شراب ناب بیاشامد و بخورد؛ اما نوشیدن آب بر او روا نیست^۱.

فرگرد ششم

کشاوری که زمین را شخم می‌زند باید استخوان، مو، ناخن و ادرار آدم و سگ و خون را از آن زمین دور سازد، در غیر این صورت با تازیانه مجازات می‌شود. مرده سگ و آدم، آب را کدر و نجس می‌کند، اگر در چاه یا قنات افتد، حداقل یک و نیم متر آن را باید بکشند تا پاک شود، این مقدار در آب جاری سه قدم است. برف و تگرگ را نیز تا چهار قدم در اطراف، نجس می‌کند.

نمونه: بند ۲۰ و ۲۱

ای دادار جهان استومند! ای اشون! اگر کسی استخوانی از سگان یا مردمان مرده مانند استخوان بازو یا استخوان ران را به زمین اندازد و چربی با مغز آن استخوان بر زمین ریزد، پادآفره گناهش چیست؟
 اهورا مزدا پاسخ داد: چهارصد تازیانه با اسپهه - اشتر، چهارصد تازیانه با سروشو - چرن.

فرگرد هفتم

ادرار گاو نر پاک کننده است و کثافات مرده مانند بول و منی و سایر اشیاء را پاک

۱. انگیزه بازداشتن چنین زنی از نوشیدن آب، شدت آلودگی اوست که می‌تواند آب را بی‌الاید. (نگاه کنید به فرگرد ۷، بند ۷۰)

می‌کند. کسی که مرده حیوانی را نزدیک آتش ببرد، برای همیشه نجس خواهد شد. پزشکان ابتدا دارو با عمل را بر روی دیوپرستان آزمایش کنند و سپس مزدا پرستان را معالجه کنند. حق‌العلاج پزشک در صورتی که بیمار سرپرست و رئیس خانه باشد یک خر ماده یا معادل است.

نمونه: بند ۱۲ و ۱۵

ای دادار جهان استومند! ای اهورا مزدای اشون! آیا جامه‌ای را که با مردار سگ با آدمی برخورد داشته است می‌توان پاک کرد؟
... اگر آن جامه چرمی باشد، باید آن را سه بار با گمیز بشویند؛ سه بار خاک مال کنند؛ سه بار با آب بشویند و از آن پس تا سه ماه در هوای آزاد در کنار پنجره خانه بگذارند و اگر آن جامه بافته باشد، باید آن را شش بار با گمیز بشویند، شش بار خاک مال کنند، شش بار با آب بشویند و از آن پس تا شش ماه در هوای آزاد در کنار پنجره خانه بگذارند.

فرگرد هشتم

در این فرگرد احکامی عجیب درباره مرده انسان و سگ و نحوه دفن آن و شستن آن با گمیز و آب پاک آمده است.

بند ۵

ای دادار جهان استومند! ای اشون! کجاست جای کسی که خود به تنهایی، مرده‌ای را به دخمه برد؟
اهورا مزدا پاسخ داد: جای چنین کسی بی‌آب و بی گیاه‌ترین و تهی‌ترین و خشک‌ترین جای این زمین است که رمه‌ها و گله‌ها کمتر از آن بگذرند، آتش در آن کمتر فروخته شود، دسته‌های برسم ویژه آیین کمتر بدان جا برده شود و مردم اشون کمتر از آنجا بگذرند.

فرگرد نهم

در این فرگرد درباره مس میت و چگونگی طهارت آن و دوری از آب و آتش و حیوان و همسر و ... و غسل کردن و تشریفات آن توضیحاتی داده شده است. آیینی که در این فرگرد توصیف می‌شود، در میان پارسیان (زرتشتیان هند) به «برش‌نوم نه شبه» مشهور است، زیرا نه شب به درازا می‌کشد.

بند ۳۵ و ۱۵

[کسی که مس میت کرده] پس دیگر باره در درون خانه در جای ناپاکان و جدا از دیگر مزدایرستان بماند. او نباید به آتش و آب و خاک و چارپایان و درختان و اشونان - خواه مرد، خواه زن - نزدیک شود و نه شب را بدین سان سپری کند. پس از گذشتن سه شب، تن خویش را بشوید و پوشاک خود را با گمیز و آب بشوید و پاک کند.

فرگرد دهم

شیوه‌های گوناگون خواندن سروده‌های یسنا برای جلوگیری از حمله دیوان و سخن از طهارت وجدان.

بند ۱۹

ای مزدا! ای سپندارمدا! ما را از کین توزی دشمنان نگاه دارید. ای دروج دیوخوی! نابودشو. دیوزادگان! نابود شوید. ای دروج! از این جا بگریز و دورشو. به سرزمین‌های ایاختر دورشو و بمیر. مباد که تو جهان استومند سپند مینو را نابود کنی.

فرگرد بازدهم

در این فرگرد مطالبی در مورد آتش، آب، درخت، مرد پر کار، زن، زرتشتی، آفتاب و سایر مخلوقات خوب و خواندن دعای تطهیر بیان گردیده است.^۱

بند ۱۲ و ۱۳

آن پری که بر آتش و آب و خاک و ستور و گیاه فرود آید، دور رانده شود. آن دیو ناپاکی که بر آتش و آب و خاک و ستور و گیاه فرود آید، دور رانده شود. ای اهریمن تبهکار! تو از آتش و آب و خاک و ستور و گیاه و اشون مرد و اشون زن و ستارگان و ماه و خورشید و روشنی بی پایان و همه آفریدگان نیک مزدا - زادگان سپند مینو - دور رانده شوی.

۱. این فرگرد - مانند فرگرد پیشین - از نیایش‌هایی که برای دور کردن «سوس» خوانده می‌شود، ترکیب یافته است، اما ویژگی‌های دیگری هم دارد همچون اشاره به چیزهای خاصی که باید پاک شود مانند خانه، آب، آتش، و جز آن. هر یک از نیایش‌ها دو بخش را در بر می‌گیرد: سطری از «گاهان» که کاملاً و یا نسبتاً به چیزهای خاصی که باید پاک شود اشاره دارد و نیایشی عام به زبان معمولی اوستایی که هنگام پاک کردن همه چیزها به گونه‌ای بکسان خوانده می‌شود.

فرگرد دوازدهم

درباره مرگ نزدیکان، مانند پدر، مادر، برادر، خواهر، زن، عمو، عمه، دایی، خاله و ... مطالبی ذکر گردیده است که برای انجام هر کدام چند روز باید دست از کار کشید.

نمونه: بند ۵:

هر گاه برادر با خواهر کسی بمیرد، تا کی - برادر برای برادر و خواهر برای خواهر - باید در «اپه مان» باشد؟ گناه کاران تا چه زمان و نیکوکاران تا چه زمان؟
اهورا مزدا پاسخ داد: نیکوکار سی روز و گناه کار شصت روز باید در «اپه مان» باشد.

فرگرد سیزدهم

نیکوترین مخلوق اهورا خاریشت است که روزی هزار ضربه به اهریمن می‌زند. در مقابل، موش صحرائی هزار ضربه بر اهورامزدا وارد می‌کند. کشنده اولی را باید هزار تازیانه زد و کشتن دومی کفاره گناهان است.

بند ۱۳

ای دادار جهان استومندا! ای اشون!

هرگاه کسی سگ گله‌ای را چنان بزند که از هوش برود و جان بدهد، پادافره گناهش چیست؟

اهورا مزدا پاسخ داد:

هشتصد تازیانه با اسپهه - اشتره، هشتصد تازیانه با سروشو - چرن.

فرگرد چهاردهم

سگ آبی هزار روح سگ خشکی را دارد، کسی که او را زخمی کند یا بکشد، باید ده هزار پشه و هزار مگس را بکشد و اسلحه یک لشکر را بدهد و یا یک دختر باکره به مرد مقدس اهدا نماید و یا زمینی زراعتی و ۱۴ حیوان کوچک بدهد و ۱۴ توله سگ را پرورش دهد.^۲

۱. رهنمودهای پاک کردن آلودگان به مردار در فرگردهای پیشین جنبه همگانی دارد و به خویشاوندی با شخص درگذشته پیوند نمی‌یابد. اما آنچه در این فرگرد می‌آید، تنها به خویشاوندان نزدیک مرده پیوستگی می‌یابد. موضوع بندهای این فرگرد، مدت ماندن در «اپه مان» برای خویشاوندان گوناگون است.

۲. این فرگرد، پیوست واپسین بندهای فرگرد پیش (بند ۵۰ به بعد) و شرح مفصلی از چگونگی تاوان دادن برای کشتن سگ آبی است. از آنجا که سگ آبی، پاک‌ترین همه سگان و حلقه پیوندی است میان خدا و سگان، روند

بند ۲

کسی که سگ آبی را چنان بزند که جان از تنش جدا شود، پادافره گناهش چیست؟

اهورا مزدا پاسخ داد: او محکوم به تحمل ده هزار تازیانه با اسپهه - اشترا و ده هزار تازیانه با سروشو - چرن^۱ است. او باید اشونانه و پرهیزگاران ده هزار بسته همیزم سخت و خشک و پاک را چون تاوانی به روان سگ آبی، به آتش اهورا مزدا^۲ بیاورد.

فرگرد پانزدهم

گناهایی که باعث **پشوتنو**^۳ انسان می‌شوند عبارتند از: کافر شدن، داغ زن بر سگ پاسبان یا گله و شکستن استخوان او، زدن یا ترساندن سگ حامله به گونه‌ای که در گودال افتد. نزدیکی با زن حائض یا حامله، وطی با زن به گونه‌ای که زخمی گردد. کسی که با دختر باکره زنا کند که باید خرج او و مادرش را بدهد و...

بند ۳۵ و ۳۶ و ۳۷

ای دادار جهان استومند! ای اشون! اگر زمان زایمان ماده سگی فرارسد و بر سر دیوار خانه‌ای بزاید، کدام مزدپرستی باید از او نگاهداری کند؟

اهورا مزدا پاسخ داد: آن کس که دیوار را برکشیده است یا ساخته است یا کسی که آن را در دست دارد باید آنچه را برای نگاهداری از وی بایسته است، فراهم آورد و تا هنگام زادن و بالیدن توله سگها از آنها نگاهداری کند. اگر او آنچنان که سزاوار است از ماده سگ نگاهداری نکند و به توله‌ها گزند رسد، برای سرباز زدن از نگاهداری شایسته، پادافره گناه کشتن آگاهانه بر او رواست.

تاوان دادن برای خون وی نیز باید سرشتی ویژه داشته باشد.

۱. او باید ۵۰ «تفافهر» (= ۶۰,۰۰۰ درهم) برای بخشوده شدن گناه خود کفاره بدهد. اگر این تاوان را بپذیرد، گناه او بنا بر روشی که در اوستا بیان شده است، بخشوده می‌شود و اگر نپذیرد، باید برای او یک آیین «بزشن»^۴ کامل برگزار کنند. (گزارش پهلوی (زند) وندیداد)

۲. این همیزم را باید به آتش بهرام که بنیاد همه آتش‌هاست، ببرد. بردن هر چیز بدبوی به آتشکده و سوزاندن آن در آتش نارواست. افروختن چوب سبز رنگ - هرچند که سخت و خشک هم باشد - نارواست. باید همیزم را سه بار وارسی کنند که مو با چیزی ناپاک در میان آن نباشد. (روایات بزرگ) «ارداویراف» در گردش خود در جهان مینوی به جایی می‌رسد که ایزد آذر او را پذیرنده می‌شود و «ترهیزم» می‌خواند (یعنی کسی که همیزم تر بر آتش نهاده است) و در برابر انکار «ارداویراف»، ایزد آذر دریایی بزرگ از آب کبود را بدو نشان می‌دهد و می‌گوید: این همان آبی است که از همیزی که تو بر من نهادی بچکید. (نگاه کنید به ارداویراف نامه، ترجمه دکتر رحیم عقیقی، فرگرد ۱۰، ص ۳۳).

۳. کسی که هرگز گناهش با هیچ کفاره‌ای پاک نخواهد شد.

فرگرد شانزدهم

وظایف زن دشتان (حائض) و دوری او از عناصر و افراد مقدس و تطهیر او با گمیز و آب.

بند ۶

ای دادار جهان استومند! ای اشون! کسی که برای زن دشتان - دشتان بهنجار با نابهنجار - خوراک می‌برد، چه اندازه باید از او دور بایستد؟
اهورا مزدا پاسخ داد: کسی که برای زن دشتان خوراک می‌برد، باید سه گام از او دور بایستد.

در چگونه آوندهایی^۱ باید برای او خورش و نان ببرند؟
اهورا مزدا پاسخ داد: در آوندهای برنجین یا سربین با هر آوند فلزی کم بهای دیگر^۲.

فرگرد هفدهم

این فرگرد دربارهٔ کارهایی است که نیروی اهریمنی دیوان را افزایش می‌دهد. هر آنچه از تن جدا شود در شمار مردار است و از این رو به تصرف «دیو» درمی‌آید و محل ناپاکی و مرگ می‌شود. بنابراین موی و ناخن، تا از تن بریده می‌شوند، بی‌درنگ از آن اهریمن می‌گردند و باید با نیایش‌های ویژه، دیوان را از درون آنها بیرون راند؛ همان‌گونه که آنان را از تن مردگان بیرون می‌رانند. بر اثر نیروی این نیایش‌ها - که نیایش‌گران برگزیده می‌خوانند - دیوان به محل‌های پنهان درون زمین دور رانده می‌شوند. مو و ناخن را باید در گودالی دور از آب و آتش و مرد مقدس چال کنند، زیرا روی زمین را نجس می‌کنند^۳.

بند ۴ و ۵ و ۶

ای زرتشت! هرگاه موی خویش را شانه زدیم با تراشیدیم با ناخن خویش را گرفتیم،

۱. ظرف غذاخوری.

۲. باید خوراک را در چمچه‌های فلزی بریزند و از فاصله‌ای نزدیک او بگذارند. آوندهای سفالین اگر آلوده شود، پاک شدنی نیست اما آوندهای فلزی را می‌توان پاک کرد.

۳. گفتنی است که تا دورهٔ ما در اصفهان (و شاید در دیگر جاهای ایران هم) بسیاری از مردم، موی سر و دندان‌های کنده شدهٔ خود را پنهان و بی‌آنکه آسمان ببینند، در سوراخ‌ها و شکاف‌های دیوار می‌گذارند و تراش‌های ناخن خود را با خواندن ورد: «غم برو. شادی بیا. محنت برو. روزی بیا. تاریکی برو. روشنایی بیا.» در زیر سفت (پاشنه) در خانه می‌ریزند.

موی و ناخن جدا شده از تن را ده گام از مردم اشون، بیست گام از آتش، سی گام از آب و پنجاه گام از برسَمِ دسته بسته دورتر ببر. پس آنگاه گودالی به ژرفای ده انگشت در زمین سخت و به ژرفای دوازده انگشت در زمین نرم کنده و موی و ناخن را در آن جا بگذارید، و این پیروزمندترین و چاره‌بخش‌ترین باژ را از بر بخوان:

«به‌راستی او پناهگاه نیک ماست و پایداری و توش و توان - [دو دهش] ارجمند
«منش نیک» را - به ما ارزانی می‌دارد. «مزداهوره» در پرتو اشته از آغاز زندگی، گیاهان
بر آن برویانید.»^۱

سسپس با کاردی فلزی سه یا شش یا نه شیار گرداگرد آن گودال بکش و نیایش
«هون ویریه» را سه یا شش یا نه بار برخوان.^۲

فرگرد هجدهم

بخش اول این فرگرد دربارهٔ روش نیایش در برابر آتش و بستن کشتی^۳ و پَنام^۴ است و در بخش دوم سرروش از دیو می‌پرسد که چه چیز تو را بدون نزدیکی، باردار می‌کند؟ دیو پاسخ می‌دهد که شش دسته از مردم: کم فروشان، آنکه که ایستاده ادرار کند، آن که که در خواب محتمل شود و آیین ویژه به جا نیاورد؛ زناکار؛ کسی که پس از بلوغ کشتی نبندد و کسی که با زن دشتان درآمیزد.

بند ۶۹

اگر مردی دانسته و آگاهانه با زنی دشتان - بهنجار با نابهنجار - دشتان مرزی کند و آن زن به سازگاری و دانسته و آگاهانه بدین دشتان مرزی تن در دهد. باید هزار دسته «برسَم» را ببندد و ویژه آیین نیایش کند. او باید اشونانه و پرهیزگاران هزار «زور» همراه با «هوم» و شیری که به پاکیزگی آماده شده - که اشون مردی آنها را از آلابش پالوده باشد - همراه با ریشه‌های گیاه «هَذَا - نئیتا» پیشکش ایزد بانوی آب‌ها کند. او

۱. یسنا ۴۸، بند ۶. گزینش این گفتار گاهانی در اینجا براساس وجود واژه «گیاه» در آن است. آدمی را «جهان کوچک» می‌انگاشتند و چنین می‌پنداشتند که هر عنصری در وجود او از عنصری همانند آن در طبیعت آمده است و پس از مرگ بدان بازمی‌گردد و از آنجاست که بار دیگر به هنگام رستاخیز، استخوان‌های وی از خاک، خون وی از آب، موی وی از گیاهان و زندگی وی از آتش بازمی‌گردد. (بند هشن بخش ۳۱)

۲. یعنی با هر شیاری که می‌کشی، یک بار نیایش «هون ویریه» را برخوان. (نگاه کنید به خرداد بشت بند ۶)

۳. بند ویژه‌ای که زرتشتیان پس از بلوغ در مراسمی خاص به کمر بندند.

۴. دستمال ویژه‌ای که برای آلوده نشدن آتش بر دهان بندند.

باید هزار مار بر شکم خزنده و دوهزار از گونه‌های دیگر ماران^۱ و هزار قورباغه خشکی و دوهزار قورباغه آبی را بکشد.^۲ او باید هزار مور دانه‌کش و دوهزار از گونه‌های دیگر موران را نیز بکشد. او باید سی پل بر آبراهه‌ها بسازد و هزار تازیانه با اسپهه - اشترا، هزار تازیانه با سروشو - چرن را برتابد.

منابع:

۱. —، —، اوستا؛ ۳ جلد، ترجمه هاشم رضی، تهران، فروهر، ۱۳۷۴.
۲. —، —، اوستا؛ کهن‌ترین سرودها و متن‌های ایرانی، ۲ جلد، گزارش و پژوهش جلیل دوست‌خواه، ویرایش دوم، تهران، مروارید، ۱۳۷۱.
۳. —، —، اوستای کهن (متن کامل)، گزارش و پژوهش رضا مرادی غیاث‌آبادی، تهران، پژوهش‌های ایرانی، ۱۳۸۲.
۴. —، —، خرده اوستا؛ جزوی از نامه مینوی اوستا، ترجمه و تفسیر ابراهیم پورداوود، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۸۳.
۵. —، —، سروده‌هایی از اوستا؛ بر پایه اوستای ایوان استیلین کامینسکی و نگرش بر گات‌ها و اوستای ابراهیم پور داوود [...و دیگران]، گزارش و پژوهش رضا مرادی غیاث‌آبادی، تهران، پژوهش‌های ایرانی، ۱۳۸۰.
۶. —، —، وندیداد، ۴ جلد، ترجمه و پژوهش‌های گسترده و واژه‌نامه تطبیقی از هاشم رضی تهران، فکر روز، ۱۳۷۶.
۷. —، —، وندیداد، حصه سوم کتاب اوستا، ترجمه سید محمدعلی حسنی (داعی الاسلام) حیدرآباد دکن، هند، ۱۳۲۷.
۸. اشپولر، برتولد، تاریخ ایران کمبریج از اسلام تا سلاجقه، ۴ ج، ترجمه حسن انوشه، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۲.
۹. پورداوود، ابراهیم، آناهیتا (مقالات پورداوود) به کوشش مرتضی گرگی، تصحیح میترا مهرآبادی، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۸۰.
۱۰. پورداوود، ابراهیم، ایران‌شاه، تاریخچه مهاجرت ایرانیان به هندوستان، تهران، بمبئی، ۱۳۰۵.
۱۱. پورداوود، ابراهیم، فرهنگ ایران باستان، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۸۲.
۱۲. پورداوود، ابراهیم، گزارش گات‌ها، ترجمه سرودها از بزرگمهر کیانی، تهران، جامی، ۱۳۸۲.
۱۳. پورداوود، ابراهیم، همزدا، تهران، اساطیر، ۱۳۸۰.
۱۴. پورداوود، ابراهیم، یادداشت‌های گات‌ها، به کوشش بهرام فرغوشی تهران، اساطیر، ۱۳۸۱.

۱. دو هزار «مار بانک» (گزارش پهلوی (زند) وندیداد) در بند ۵ فرگرد چهاردهم در متن «ماران سگ نما» و در زیرنویس «مار بانک» آمده است.

۲. قورباغان از دوزیستان‌اند و معلوم نیست چرا در اینجا گروهی از آنان زیست‌کننده در خشکی و دسته‌ای «آبی» معرفی شده‌اند. شاید منظور از گروه دوم، قورباغان نوزاد باشد که تا پیش از دگردیسی و بلوغ، کاملاً آبی‌اند و در بیرون از آب نمی‌توانند زنده بمانند.

۱۵. پیشگفتاری بر اوستا، مجموعه مقالات، گردآورنده پروفیسور هارلز بک «Y.U» ترجمه انجمن زرتشتیان ایران.
۱۶. جعفریان، رسول، سیره خلفا، دلیل ما، قم، ۱۳۸۷.
۱۷. دار مسستیر، جیمز، مجموعه قوانین زرتشت با وندیداد اوستا، ترجمه موسی جوان، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۸۲.
۱۸. مهر، فرهنگ، دیدی نواز دینی کهن (فلسفه زرتشت)، ویرایش ۲، تهران: جامی، ۱۳۸۰.